

حقوق جنایی و جرم‌شناسی در آئینه «کتابچه‌ی قانونی کُنت»

دکتر مهرداد رایجیان اصلی *

چکیده

این مقاله ضمن معرفی «کتابچه‌ی قانونی کُنت» به مثابه نخستین متن کیفری رسمی در حقوق ایران، مفاد آن را از دریچه‌ی حقوق جنایی و جرم‌شناسی تحلیل می‌کند. این کتابچه از آن جهت اهمیت دارد که سنگ بنای قانون‌های مجازات پس از خود در ایران را تشکیل داد. بخشی از این مقررات به قانون‌های آیین دادرسی جنایی، و بخشی دیگر به قانون‌های مجازات عمومی، و قانون‌های مجازات اسلامی، از گذشته تا به امروز، تبدیل شده‌اند. مقررات شکلی کتابچه از جهت رسمیت دادن به سازمان پلیس در حقوق ایران اهمیت می‌یابند. سایر مقررات کتابچه اما از جهت طبقه‌بندی جرم‌ها و کیفرها- که پیش از آن کم‌سابقه بود، شایان توجه‌اند. مجموع این مقررات، هم نمایان‌گر تحولاتی هستند که از دریچه‌ی حقوق جنایی و جرم‌شناسی غربی-اروپایی تحلیل‌پذیراند، و هم بازتاب‌دهنده‌ی پدیده‌های رایج در بافتار اجتماعی-فرهنگی آن روزگار ایران تلقی می‌شوند.

کلیدواژگان

کتابچه‌ی قانونی کُنت، حقوق جنایی، جرم‌شناسی، پلیس، حقوق ایران.

* استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.

مقدمه

جالب است بدانیم که بخشی از مفهوم‌ها، نهادها و به‌طور کلی، آنچه که امروز سامانه‌ی حقوق ایران را ساخته است، ریشه در سال‌های پیش از جنبش قانون‌گذاری (یعنی پیش از عصر مشروطه) دارد. در این میان، بخشی از آنچه که حقوق جنایی ایران را تشکیل می‌دهد و سپس در بستر علوم جنایی معاصر- به‌ویژه یافته‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی- تکوین و تحول پیدا کرد نیز در تحولات همان دوره پیش از مشروطه ریشه دارد. یکی از سندهای حقوقی این دوره که به سلطنت ناصرالدین‌شاه بازمی‌گردد، «کتابچه‌ی قانونی کُنت» نام دارد که آن را می‌توان نخستین متن رسمی در حقوق جنایی ایران تلقی کرد که با الگوبرداری مستقیم از حقوق جنایی اروپایی تدوین شده است. شاید در ذهن بیش‌تر ما، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ خورشیدی به‌منزله‌ی نخستین متن رسمی در حقوق جنایی ایران شناخته شده باشد. ولی در این مقاله خواهیم دید که کتابچه‌ی قانونی کُنت حتی پیش از قانون جزای عرفی (مصوب ۱۳۳۵ مهشیدی) این ویژگی را داشته است.^۱

۱. البته، پیش از تدوین کتابچه‌ی قانونی کُنت نیز برای تهیه و تدوین مقرراتی تلاش شده بود؛ ازجمله، در عصر ناصری برای نخستین بار در راستای اصلاحات حقوقی در ۱۲۷۹ ق. / ۱۸۶۲ م. در کنار احکام شرع که توسط فقیهان شیعه در منبع‌های فقهی گردآوری شده بود، مجموعه‌ای از مقررات عرفی با عنوان «کتابچه‌ی دستورالعمل دیوان‌خانه عدلیه» تدوین شد [کتابچه‌ی دستورالعمل دیوان‌خانه‌ی عدلیه اعظم، ۱۳۴۴، ص ۴۵]. پس از بازگشت ناصرالدین‌شاه از سومین سفر اروپا، شورای دولتی کد ناپلئون و قانون‌های دولت عثمانی را ترجمه کرد. اگرچه این تلاش‌ها در مجموع بی‌ثمر بودند، ولی، هم‌چنان که برخی از نویسندگان

این کتابچه‌ی قانونی- شامل مقدمه‌ای در شرح وظایف پلیس و ۵۸ ماده‌ی قانونی- مقرراتی را دربردارد که با شاخه‌های علوم جنایی (از جمله، حقوق جنایی اختصاصی، آیین دادرسی جنایی و حتی جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی) پیوند می‌خورد؛ به گونه‌ای که در پرتو این مقررات می‌توان از بازتاب اصل‌ها و قاعده‌های حقوق جنایی و نیز دیگر مفهومی‌ها و نظریه‌های این علوم در پیکره‌ی این متن قانونی سخن گفت. البته فراتر از توصیف مقررات این کتابچه بر پایه‌ی اصل‌ها و مفهومی‌های پیش گفته، مطالعه‌ی ماده‌های آن، پیام‌های دیگری نیز دربردارد که از جمله از دریچه‌ی جامعه‌شناسی حقوقی نیز تحلیل پذیراند.

بدین سان، مهم‌ترین مسئله‌هایی را که از مطالعه‌ی کتابچه‌ی قانونی کنت برمی‌آید، در چند محور می‌توان دسته‌بندی کرد؛ از جمله: مقررات مندرج در این کتابچه تا چه اندازه بازتاب پدیده‌های رایج آن روزگار ایران بوده است؟ بیش‌ترین بخش کتابچه‌ی قانونی شامل چه جنبه‌های از حقوق جنایی (طبقه‌بندی جرم‌ها و کیفرها) بوده است؟ بازخورد این مقررات در جامعه- به منزله نخستین متن قانونی کیفری در جامعه‌ی ایران، که در آن روزگار از گذر احکام شرع و فرمان‌های ملوکانه اداره می‌شد- چگونه بوده است؟ مطالب مقاله، بر این پایه، در چهار بخش تنظیم شده‌اند: نخست، پس از معرفی شرح

← تاریخ حقوق ایران گفته‌اند: «صیرف اقدام به تدوین قوانین ماهوی تازه‌ای که موازی احکام شرع باشد، نشان‌دهنده‌ی جسارت فوق‌العاده‌ی اصلاح‌طلبان عصر ناصری است و چنین کاری در تاریخ ایران بعد از یاسای چنگیز و غازان و تزوکات تیمور تا آن زمان بی‌سابقه بوده» [امین، ۱۳۸۲، صص. ۴۲۴-۵].

حالی از نویسنده‌ی این کتابچه، چگونگی تدوین و سرنوشت آن (الف)، آیین دادرسی جنایی کتابچه که مقدمه‌ای در شرح وظایف پلیس را دربردارد، تشریح می‌شود (ب). سپس، حقوق جنایی اختصاصی کتابچه که جرم‌ها و کیفرهای پیش‌بینی‌شده در کتابچه را دربرمی‌گیرد، تحلیل خواهد شد (پ). و سرانجام، بازتاب‌های جرم‌شناسانه‌ی و بزه‌دیدة‌شناسانه کتابچه در پیوند با جامعه‌شناسی حقوقی جامعه‌ی آن روزگار ایران تبیین می‌شوند (ت).

الف) شرح حال گُنت، چگونگی تدوین کتابچه‌ی او و سرنوشت آن

با توجه به شرحی که در روزنامه‌ی رسمی شرف آمده است، گُنت دومونت فرت^۲ در اصل از یک خانواده‌ی فرانسوی در سال ۱۸۳۹ میلادی (۱۲۵۴ هجری) زاده شد که پس از مهاجرت به ایتالیا در سیسیل اقامت گزیدند. وی پس از پایان تحصیلات وارد گارد سلطنتی پادشاه ناپل و سیسیل شد و پس از جنگ با گاریبالدی در سال ۱۸۶۰ با وساطت پاپ به خدمت امپراتوری اتریش درآمد. در سال ۱۸۶۹ از خدمات نظامی کناره‌گیری کرد و پس از آن که ناصرالدین شاه از امپراتور اتریش اعزام مستشاران و افسران نظامی را درخواست کرد، گُنت نیز یکی از برگزیدگانی بود که با همسر و سه فرزندش به تهران

2 . Conte de Monte Forte

نام گُنت به شکل بالا در منبع زیر آمده است:

Encyclopedia Iranica, Censorship; at: <http://www.iranicaonline.org/articles/censorship-sansur-in-persia>

آمد و سپس ماموریت برپایی نظمیه را برعهده گرفت [ارشيو کتابخانه‌ی ملی ایران، بی‌تا، ص. ۱].^۳

بدین‌سان، کُنت به لطف ناصرالدین شاه و با اختیارات کامل مامور برقراری نظم تهران و برپایی پلیس جدید شد و در همین راستا، لقب «نظم الملک» و امتیاز امیرتومانی و سپس منصب سرتیپی دوم را دریافت کرد. در آغاز برپایی نظمیه این مسئله مطرح شد که کُنت باید زیر نظر نایب‌السلطنه (که حکومت تهران را برعهده داشت) باشد یا سپهسالار (که وزیر جنگ بود)؟ بدین منظور، شاه با صدور حکمی کُنت را تابع نایب‌السلطنه قرار داد. سپس به پیشنهاد کُنت، ۴۰۰ مامور پلیس پیاده و ۶۰ مامور پلیس سواره استخدام شدند و برای آنان لباس متحدالشکل سیاه – که به‌ظاهر همان لباس نظامی اتریش بود – درنظر گرفته شد. وی هم‌چنین برای تمرکز دستگاه پلیس خانه‌ای را در خیابان چراغ‌گاز (چراغ‌برق/امیرکبیر کنونی) اجاره کرد. یکی از اقدام‌های کُنت که از دیدگاه جرم‌شناسی قابل تحلیل است، دستور تخریب تاق‌های کوچه‌های تهران بود، زیرا به زعم او این بافت معماری آن روزهای تهران به بزه‌کاران امکان می‌داد تا از روی سقف‌ها از خانه‌ای به خانه

۳. امین‌الدوله در خاطرات خود ورود کُنت به ایران را چنین شرح داده است: «همچنین در وینه پایتخت اتریش از وضع پلیس و احتساب شهری هم گفت و گویی شده بود. پس از ورود شاه به تهران چندی نگذشت که ارباب مناصب نظامی اتریش رسیدند ... بفاصله چند ماه شخصی با عیال و اطفال خردسال خود وارد تهران شد و از کُنت گرویل که در خاک اتریش مهمان‌دار شاه بود سفارش در دست داشت. خود را نزد سپهسالار کُنت دومونت فرت از اهالی ناپل معرفی کرد و خدمت پلیس تهران را تعهد نمود ...» [همان، ص. ۲].

دیگر بگریزند [اطلاعات ماهانه، بی‌تا، ص. ۱۶].

با وجود خوش‌بینی ناصرالدین شاه به دستگاه جدید پلیس که سپس «اداره نظمیه و امنیه و احتساییه شهر دارالخلافه» نامیده شد، و پشتیبانی وی از گُنت، امیدواری شاه به دلیل‌های مختلف – از جمله، وضع اجتماعی ایران در آن روزگار – دوامی نداشت. بخشی از ریشه‌های ناکامی تشکیلات نوپای پلیس را می‌توان در خاطرات امین‌الدوله چنین مطالعه کرد: «دستگاه پلیس که بالمناسبه به حکومت و دایره نایب‌السلطنه مربوط بود مظهرالعجایب و مایه حیرت عمومی شد. این شخص غریب که به زبان و عادات مملکت آگاهی نداشت در نظر اولی همه را شناخت و چنان به سبک شاه و سلیقه نایب‌السلطنه آشنا شد و به ظاهرسازی و حقه‌بازی و نیرنگ و فنون با هر طبقه برآمد که مردم بومی و بلد نمی‌توانستند. طوری راه تعدی و ستم و مدخل و منافع حرام را اموخت که هیچ ایرانی به گردش نمی‌رسید. از سکوت و بردباری ایرانیان بیشتر باید تعجب کرد که این دستگاه شعوزه در تهران باز بود. مال مردم به سرقت می‌رفت و شاید بیشتر آن در دایره پلیس حل و هضم می‌شد و دادرس نداشتند. زن‌های مسلمان را به محبس می‌کشیدند. در زجر و شکنجه جان‌ها تلف می‌گردید. نه از طرف دولت پرسش بود نه علمای اعلام نهی از منکر می‌کردند. نه مردم به صدا می‌آمدند» [ارشيو کتابخانه ملی ایران، بی‌تا، ص. ۳].^۴

۴. هم‌چنین، ناکارآمدی سازمان پلیس گُنت به دلیل ستم‌گرانه بودن و رواج شکنجه و آزار محبوسان آن را در خاطرات اعتمادالسلطنه چنین می‌توان مطالعه کرد: «دو نفر قجر از ایل جلیل به اداره پلیس عارض می‌شوند که اسباب زیادی از خانه آن‌ها برده شده. پولیس ابلیس صفت می‌گوید علی‌خان برادر شما که به

بدین‌سان، هم‌چنان که در منبع‌های تاریخی آمده است، خوی استبدادی گُنت و ضعف اخلاق همگانی جامعه وقت ایران سبب شد که تشکیلات پلیس وی ناکام بماند. زیرا مردم ایران در آن روزگار خود را مقید به پیروی از قانون نمی‌دانستند و نظم و انضباط برای بیش‌تر مردم مفهوم چندانی نداشت [همان، ص. ۴]. وانگهی، همان‌طور که برخی از حقوق‌دانان نوشته‌اند، حکومت قانون یا قانون‌مداری و برپایی دادگستری به دلیل‌های دیگری نیز به تأخیر افتاد؛ از جمله: «تمایل به استمرار قدرت ...؛ علاقه وافر به سنت‌های موجود؛ عدم آمادگی محیط برای شناخت بنیادهای نو در حقوق جزا؛ و وجود رژیم کاپیتولاسیون یا قضاوت کنسولی» [نوربها، ۱۳۹۰، صص. ۸۷-۸].

اما گذشته از ناکامی گُنت در اجرای کتابچه‌ی قانونی خود، باید دید درون‌مایه‌ی آن از چه مقرراتی تشکیل شده است و این مقررات تا چه اندازه می‌توانست بازتاب پدیده‌های

الوای مشهور است را بدهید تا مال مسروقه شما را پیدا کنم. این دو بدبخت برادر جوان خودشان را به اداره می‌دهند. اداره علی‌خان را بقدری شکنجه می‌کنند، همین‌که نزدیک به هلاکت می‌شود از حبس بیرون می‌آورند. علی‌خان از صدمه شکنجه مرد. اقوام او به عضدالملک که ایلخانی قاجار است عارض می‌شوند. عضدالملک هم بعد از دو روز بشاه عریضه مینویسند. دستخطی صادر شده بود که دیدم. این بود: من بعد کنت دومونت دوفرت رئیس پلیس نباید قاجاریه را بدون اطلاع ایلخانی آنجا که عضدالملک است حبس نماید...» [اعتمادالسلطنه، ۱۳۵۰، ص. ۲۶۵]. یکی دیگر از رفتارهای ناروای مأموران پلیس گُنت را که به ناکام ماندن سازمان پلیس او انجامید، می‌توان در کتاب سیر قانون و دادگستری در ایران چنین مطالعه کرد: «مقتول سبزی‌فروش بود؛ قفس بلبل داشت. کنت از هرکس که بلبل دارد قفسی یک قران می‌گیرد؛ رفته بودند یک قران این ماه را مطالبه کنند، نداشته بود بدهد. با پلیس نزاع می‌کند، به محبس می‌برند، سر او را فلک کرده می‌زنند، فی‌الغور می‌میرد» [راوندی، ۱۳۶۲، ص. ۲۵۱].

آن روزگار جامعه‌ی ایران یا اقتباسی از حقوق اروپایی باشد، و در هر صورت، کدام یک از آن‌ها سنگ بنای مقررات پس از خود در حقوق جنایی ایران را تشکیل داده‌اند؟ این مقررات را می‌توان در سه محور آیین دادرسی جنایی (با محوریت پلیس)، حقوق جنایی اختصاصی (یا طبقه‌بندی جرم‌ها و کیفرها)، و مفهوم‌ها یا نظریه‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی مطالعه و تحلیل کرد.^۵

ب) آیین دادرسی جنایی «کتابچه‌ی قانونی کُنت»

نخستین مقررات کتابچه‌ی قانونی کُنت با مقدمه‌ای در شرح وظایف پلیس آغاز می‌شود. البته نمی‌توان گفت که این کتابچه همه‌ی مقررات آیین دادرسی جنایی را دربردارد، زیرا از یک‌سو، مقدمه‌ی آن فقط شامل وظایف پلیس (یا همان ضابطان دادگستری به معنای امروزی ست) و، از سوی دیگر، بخش عمده‌ی ماده‌های آن را —

۵. در بالای نخستین صفحه‌ی این کتابچه، و پیش از آغاز مقررات آن، نشان شیر و خورشید و زیر آن، «سواد دست‌خط مطاع همایون خطاب به حضرت اشرف اسعد اعظم نایب‌السلطنه امیرکبیر [کامران‌میرزا (حاکم تهران)] دامت شوکته» بدین شرح آمده است: «نایب‌السلطنه این کتابچه قانونی کُنت را خواندم. تماماً بسیار به قاعده و درست است. یک دو فقره را ما کم و زیاد کردیم ملاحظه کنید. همین کتابچه و همین دست‌خط را در مجلس اول دارالشوری که منعقد می‌شود بدهد قرائت کنند. وزرا هم این کتابچه را امضا کرده بدهند به کُنت. او هم بدهد چاپ کرده منتشر نمایند و از تاریخ امضای وزار مشغول اجرای این قوانین بوده ذره تخلف نشود. همه این قوانین صحیح و محل هیچ ایراد نیست و لزوماً انشاء باید مجری شود. همین دست‌خط را بده کُنت ملاحظه نماید بداند ما قواعد را پسندیده‌ایم. سنه ۱۲۹۶» [آرشیو کتابخانه ملی ایران، بی‌تا، ص. ۱].

هم‌چنان که خواهیم دید - مقررات ماهوی جنایی (شامل جرم‌ها و کیفرها) تشکیل می‌دهد.^۶

مقررات ناظر به وظایف پلیس در این کتابچه شامل ۱۹ بند (ماده) است. گذشته از کارامدی و اجراءپذیری این مقررات، یکی از دستاوردهای آن را می‌توان کاربرد رسمی واژه «پلیس» در نوشتگان حقوق ایران برشمرد، زیرا هم‌چنان که حقوق‌دانان ما نوشته‌اند: «... در ایران وظایف پلیس در دوره قاجار برعهده فراشخانه بود که در راس آن فراش‌باشی قرار داشت. پس از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ، و استخدام کنت دومونت فورت به‌عنوان رئیس نظمیه، نخستین مقررات ناظر به وظایف پلیس که در کتابچه قانونی کنت آمده، تنظیم شد. بعدها اداره سازمان پلیس ایران به سوندیها واگذار گردید ...» [همان، ص. ۱۱۵].

مهم‌ترین محورهای مقررات پلیس در کتابچه‌ی قانونی کُنت را در موارد زیر می‌توان خلاصه کرد:

- **پلیس به مثابه دستگاه اجرای قانون**، یا آن چه امروز در نوشتگان جرم‌شناسی و

۶. دکتر محمد آشوری انتشار کتابچه‌ی قانونی کُنت را یکی از «مهمترین اقدامات انجام‌شده در عهد ناصری که با صدارت امیرکبیر آغاز شد و به صدور فرمان تأسیس عدالتخانه، قبل از صدور فرمان مشروطیت منجر گردید»، دانسته‌اند. به باور ایشان، «کتابچه‌ی مذکور که یک مقدمه و ۵۸ ماده دارد، ناظر به قوانین جزایی ماهوی است ... [و] فاقد مقررات آیین دادرسی عرفی است و اهمیت آن را می‌توان در تعیین مجازات‌های نسبتاً ثابت که در آن زمان همچون سدی در مقابل خودکامگی حکام به شمار می‌آمد، خلاصه کرد» [آشوری، جلد اول، ۱۳۸۰، ص. ۵۵].

دادگری جنایی «اجرای قانون»^۷ و «مجریان قانون»^۸ - به منزله‌ی یکی از دست‌اندرکاران سامانه‌ی دادگری جنایی - نامیده می‌شود. در نخستین بند مقدمه‌ی کتابچه‌ی قانونی کُنت آمده است: «دستگاه پلیس دستگاه اجراست و مراقبت اجرای جمیع قوانین که از طرف دولت به‌دایره پلیس القا می‌شود به‌عهده اوست».

- **پلیس به مثابه نیروی انتظامی**، یا آن چه امروز به معنای «پلیسی‌گری»^۹ - یعنی برقراری نظم و امنیت جامعه - از وظایف پلیس شمرده می‌شود. بند دوم مقدمه‌ی کتابچه در این زمینه چنین می‌گوید: «پلیس مامور است بر انتظام ولایت و نگاه‌داری مردم یعنی تکلیف پلیس است در تمام تفصیلات و وقوعات کلیه و جزئیة تحصیل اطلاعات لازمه».

- **پلیس به مثابه حافظ نظم و مرجع برخورد با بزه‌کاران**، یا آن چه امروز «پلیس اداری و قضایی» نامیده می‌شود. به سخن دیگر، پلیس نه تنها «مامور است بر اینکه مراقبت نماید تا در مملکت بی‌نظمی و بی‌اعتدالی واقع نشود» (پلیس اداری [بند/ ماده‌ی ۴ کتابچه])، بلکه «مامور است بر اینکه هرکسی که باشد شرارت و دزدی و متازعه نماید و یا کسی سکه قلب بزند یا فتنه نماید و فساد نماید یا خط و مهر بسازد باید تسلط در گرفتن آن‌ها داشته باشد» (پلیس قضایی) [بند/ ماده‌ی ۸ کتابچه].

از آنجا که مفهومی‌های بالا که در حقوق مدرن امروزی متداول‌اند، در ایران آن

7 . law enforcement

8 . law enforcement officials

9 . policing

روزگار شناخته شده نبودند، پس می‌توان گفت این مقررات در اصل از حقوق اروپایی - از جمله، پلیس اتریش - اقتباس شده بودند و ناصرالدین شاه بیش‌تر می‌خواست تا مظاهر تمدن و تجدد را از گذر این مقررات در جامعه‌ی ایران رواج دهد.^{۱۰}

پ) حقوق جنایی اختصاصی «کتابچه‌ی قانونی کُنت»

بخش عمده‌ی کتابچه‌ی قانونی کُنت شامل ۵۸ ماده‌ی حقوق جنایی ماهوی

۱۰. دکتر محمدعلی معتمد در کتاب حقوق جزای عمومی این متظاهرانه بودن اصلاحات و تحولات در آن دوره را چنین توصیف کرده است: «در ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه، افکار آزادی‌خواهی و تجددطلبی و رفع ظلم و استبداد، به وسیله روشنفکران و آزادیخواهان که بیشتر، محصلین اعزامی به اروپا و دیاربانان روشنفکر بودند، رواج پیدا کرد و ناصرالدین شاه که خود در اثر مسافرت به اروپا تحت تأثیر تمدن فرانسه قرار گرفته بود و شاید می‌خواست است با حفظ ظواهر و ایجاد تشکیلاتی که تقلید ظاهری از وضع اروپا باشد، سلطنت خود را بیشتر تثبیت کند، در سال ۱۲۷۵ هجری قمری فرمانی به نام "فرمان دیوانخانه‌ی عدلیه در جمیع ممالک محروسه دولت علیه" صادر کرد و مدتی نیز دستور داد مجازات‌های شدید مثل اعدام را در موارد مهم به استحضار او برسانند و پس از کسب اجازه او، اجرا کنند، و این همان رویه‌ای بود که قرن‌ها قبل از انقلاب کبیر فرانسه در آن کشور وجود داشت و او به نام تجددخواهی و اصلاح‌طلبی می‌خواست رفتاری را که قرن‌ها در اروپا منسوخ شده بود، تازه در ایران اجرا کند. به پیروی از این نظریه و برای ایجاد نظمی در رسیدگی کیفری، ناصرالدین شاه دستورالعملی مشتمل بر ۳۰ فصل برای حکام و ولات فرستاد و در مقام مقایسه کاری را که در ۱۶۷۰ در فرانسه انجام شده بود، او پس از دو قرن انجام داد. چند سال بعد، فهرستی از بعضی جرایم و مجازات آنها در ۵۸ ماده تدوین شد و ناصرالدین شاه دستور اجرای آن را صادر کرد و شاید بتوان آن را اولین قانون جزای عرفی ایران نامید» [معتمد، جلد اول، ۱۳۵۱، ص. ۷۴].

اختصاصی (یعنی طبقه‌بندی جرم‌ها و کیفرها) است. این طبقه‌بندی با دسته‌بندی جرم‌ها و کیفرها در حقوق جنایی امروزی بسیار شباهت دارد؛ با این تفاوت که جرم‌های علیه امنیت دولت و پادشاه و نیز جرم‌های علیه اخلاق و اسایش همگانی نسبت به جرم‌های علیه اشخاص و اموال برجسته‌تراند و سهم بیش‌تری از ماده‌های کتابچه را به خود اختصاص داده‌اند. به نظر می‌رسد که این برجستگی را می‌توان به محوریت «پادشاه» در ساختار حکومت وقت ایران و نیز اهمیت و حساسیت مسأله‌ی اخلاق همگانی در جامعه‌ی ایرانی آن روزگار نسبت داد. در این میان، تردیدی نیست که بخشی از این مقررات با الگوبرداری – بلکه ترجمه‌ی – مقررات حقوق جنایی اروپایی به متن کتابچه راه یافته‌اند.

۱- جرم‌های علیه امنیت دولت و پادشاه

ماده‌های ۱ تا ۴، ۸، ۱۱، ۲۰ و ۲۲ کتابچه‌ی قانونی کنت مهم‌ترین مقررات جرم‌های علیه امنیت دولت و پادشاه را دربردارند. ماده ۱ در این خصوص مقرر می‌دارد: «کسی که برخلاف پادشاه یا خانواده سلطنت حرف بزند و یا اینکه در ضد پادشاه و یا خانواده او خیال بدرفتاری و تحریک بد در نظر داشته باشد، بعد از تحقیق و ثبوت از یک‌سال الی پنج‌سال به درجه‌ی تقصیرات مقصر یا زنجیر محبوس خواهد شد». ماده‌های ۲ تا ۴ رفتارهایی چون تهمت و افترا به دولت، جعل دست‌خط یا مهر و امضای پادشاه، و قلب سکه را جرم‌انگاری کرده بودند. برخی از حقوق‌دانان ما چنین مقرراتی را در راستای تقویت و تثبیت قدرت حکومت و پادشاه ارزیابی کرده‌اند. دکتر رضا نوربها در این زمینه می‌نویسند: «در کتابچه‌ی قانون ۱۲۹۶ ه.ق. که توسط کنت دومونت فرت اتریشی تهیه و به

تصویب ناصرالدین شاه رسید، شاه علیرغم دیوان مظالم برای حفظ قدرت خود اظهارنظرهای آزاد را ممنوع کرده بود. طبق این قانون: "کسی که جسارت نموده برضد پادشاه اعلانات و نوشته‌ها در کوچه‌ها بچسباند، هرکس بوده باشد و همچنین "کسی که مخالف مردم حرکتی کرده و اذیت برساند، برحسب حد تقصیر او از یک ماه الی پنج سال حبس خواهد شد" [ماده ۲۰] [نورپها، ۱۳۹۰، صص. ۸-۸۷].

ماده ۸ کتابچه افزون بر دولت، به حمایت کیفری از مذهب و ملت نیز پرداخته است. به موجب این ماده: «کسی که کتابی انتشار دهد که بر ضد مذهب یا دولت و ملت بوده باشد، از پنجمه الی پنج سال حبس خواهد شد». با وجود حمایت قانونی از دولت، ملت یا مذهب کشور، به نظر می‌رسد که ناصرالدین شاه با تایید و تصویب این مقررات، بیش تر به دنبال مستحکم تر ساختن پایه‌های قدرت خود بود، زیرا خود در دست خطی که خطاب به نایب السلطنه اش برای ابلاغ متن کتابچه نوشته، ضمن تایید مفاد آن، به کم و زیاد کردن بعضی از مقررات آن تصریح می‌کند که می‌توان حدس زد آن چه که شاه به کتابچه افزوده یا اصلاح کرده، بیش تر ناظر بر جرم‌انگاری رفتارهای علیه نظام پادشاهی او بوده است.

نکته‌ی دیگری که از مطالعه‌ی مقررات بالا برمی‌آید، کیفرهای پیش‌بینی شده برای جرم‌های علیه امنیت دولت و پادشاه است. از جمله در بیش تر این جرم‌ها، افزون بر حبس‌های مدت‌دار (حتی تا ۲۵ سال، برای نمونه در ماده‌ی ۳)، کیفرهای مضاعفی چون بستن دستان با دست‌بند آهنین (همان ماده) یا محبوس کردن با زنجیر (ماده ۴) در نظر گرفته شده بود.

۲- جرم‌های علیه اخلاق و اسایش همگانی

بخش دیگری از مقررات کتابچه‌ی قانونی کُنت که ماده‌های بیش‌تری را به خود اختصاص می‌دهد، از جرم‌های علیه اخلاق و اسایش همگانی تشکیل شده است؛ از جمله: ماده‌های ۷ و ۱۰، به ترتیب، درباره‌ی کشیدن تریاک و تخریب ادوات و آلات، ماده‌های ۱۳ تا ۱۵، درباره‌ی ارتکاب فعل شنیع نسبت به دختر نابالغ، ضایع کردن دختر باکره، و ارتکاب فعل شنیع نسبت به زن شوهردار؛ ماده‌ی ۱۷ درباره‌ی تمسخر مذهب، ماده‌ی ۱۸ درباره‌ی آتش زدن خانه یا اموال دیگری، و ماده‌های ۲۵ تا ۳۰ درباره‌ی مقررات ناظر بر نوکران.

این مقررات می‌توانند نشان‌دهنده‌ی وجود یا رواج رفتارهای یادشده باشند، زیرا همواره بخشی از جرم‌انگاری‌ها در قانون‌های مجازات بازتاب پدیده‌های رایج در جامعه است. بنابراین، وقتی ماده‌ی ۷ کتابچه کشیدن تریاک را با ۶ ماه تا یک سال حبس جرم‌انگاری می‌کند، احتمال دارد که این رفتار به زعم نویسندۀ کتابچه یا پادشاه چنان مخل اسایش همگانی بوده که جرم‌انگاری آن را ایجاب می‌کرده است. هم‌چنین، مقررات ناظر بر نوکران در این کتابچه می‌تواند از اهمیت این حرفه در آن روزگار حکایت کند و از آنجا که رفتار نوکران ناگزیر با برخی از جرم‌ها ارتباط پیدا می‌کرد، شاید کُنت یا شاه گنجاندن این مقررات را در کتابچه نیز ضروری می‌دیدند.

مقررات کتابچه درباره‌ی اخلاق و اسایش همگانی به ماده‌های بالا ختم نمی‌شوند، بلکه حتی به سایر جنبه‌های زندگی روزمره و اجتماعی مردم آن روز نیز گسترانده شده بودند و شاید همین مسئله یکی از دلیل‌های ناکارآمدی و ناکامی کتابچه‌ی قانونی کُنت بود.

رفتارهایی چون اطاعت نکردن عملی از استاد خود (ماده ی ۳۰) یا خراب کردن اسباب یا پارچه توسط تعمیرکار یا ناموافق بودن آن تعمیر با سلیقه ی مشتری (ماده ی ۳۱) از این دست رفتارها بودند. در این میان، البته، رفتارهایی نیز بودند که جرم‌انگاری آن‌ها منطقی‌تر به نظر می‌رسید؛ مانند اغتشاش و بدمستی در کوچه و بازار (ماده ۳۳)، منازعه در قهوه‌خانه یا چلوپزخانه (ماده ۳۴) یا نزاع و عربده کشی در حمام (ماده ۳۵).

ذکر این نکته درباره ی کیفر این جرم‌ها نیز خالی از فایده نیست که ضمانت‌اجراءهای پیش‌بینی شده برای آن‌ها بیش‌تر از نوع حبس یا جزای نقدی بودند؛ به جز جرم‌هایی مانند فعل شنیع نسبت به دختر نابالغ یا ضایع کردن دختر باکره (ماده‌های ۱۳ و ۱۴)، که افزون بر حبس، ضمانت‌اجراهایی چون تامین معاش دختر یا الزام مرتکب به ازدواج با او با رضایت پدرمادر دختر یا پرداخت غرامت به آنان به قدر مکنت مرتکب پیش‌بینی شده بود.

۳- جرم‌های علیه اشخاص

پس از جرم‌های علیه امنیت یا اسایش همگانی، چندین ماده از کتابچه ی قانونی گنت به «جرم‌های علیه اشخاص» اختصاص یافته بود. افزون بر بند ۱۹ مقدمه ی کتابچه که در پایان شرح وظایف پلیس، حکم انواع قتل را پیش‌بینی می‌کند،^{۱۱} ماده‌های ۶، ۹، ۱۲، ۱۹،

۱۱. به موجب بند (ماده ی) ۱۹ از این بخش کتابچه: «در مواد قتل چنانکه شریعت مطهره اسلام حکم فرموده است بلاخلاف و بلااستثنا محاکمه می‌شود و در قتل عمد و شبه‌عمد و قتل خطا احکام شارع مقدس مطاع و حتمی الاجرا خواهد بود».

۲۳ و ۲۴ رفتارهایی چون زهردادن، افترا، توطئه و تبانی، بی‌احترامی به دیگری و توهین به مقام‌های رسمی را جرم‌انگاری کرده‌اند.

در این جا نیز پاره‌ای از این رفتارها را می‌توان با پدیده‌های متداول در بافتار اجتماعی آن روزگار پیوند زد. برای نمونه، جرم‌انگاری ویژه‌ی قتل با سم دادن می‌تواند از متداول بودن این شیوه‌ی قتل در آن زمان حکایت کند. هم‌چنین، ماده‌ی ۱۹ که می‌گوید: «کسی که زنی را جبرا از کوچه بکشد»، جریمه می‌شود، نشان می‌دهد که این شکل ادم‌ربایی در جامعه‌ی آن روزگار رایج بوده است.

۴- جرم‌های علیه اموال

برخلاف جرم‌های دسته‌های پیشین، جرم‌های علیه اموال کم‌ترین سهم را در کتابچه‌ی قانونی کُنت به خود اختصاص داده بودند. اگرچه به نظر می‌رسد که جرم‌هایی مانند انواع سرقت‌ها همواره از متداول‌ترین رفتارهای مجرمانه در بیش‌تر جامعه‌ها بوده‌اند، ولی اختصاص تنها دوسه ماده به این جرم‌ها تا اندازه‌ای شگفت‌آور می‌نماید. با وجود این، همین تعداد از جرم‌های علیه اموال در کتابچه می‌تواند از رایج بودن آن‌ها در آن روزگار حکایت کند.

یکی از این جرم‌ها راه‌زنی و دزدی بود که در ماده‌ی ۵ کتابچه پیش‌بینی شده است: «کسی که قاطع طریق یا دزد باشد و یا رفاقت با آن‌ها نماید چه شغل دائمی او باشد و یا اینکه اتفاقاً رفاقت کرده باشد از راه ضرورت باندازه تقصیر او از یک‌سال الی پانزده سال حبس خواهد شد». بدین‌سان، کتابچه‌ی قانونی کُنت از تعبیر فقهی «قاطع طریق» در کنار

مفهوم عرفی «دزد» استفاده کرده بود و جرم‌های موضوع این ماده با اصطلاح‌های مرتکبان آن‌ها توصیف شده بودند. کیفر پیش‌بینی شده برای این جرم‌ها (حبس از ۱ تا ۱۵ سال) اگرچه با توجه به فاصله‌ی گزاف کمینه و بیشینه‌ی آن، متناسب به نظر نمی‌رسید، در همان حال، با توجه به بیشینه‌ی آن، بسیار سنگین می‌نمود و این سنگینی را به‌ویژه در مورد بزه راه‌زنی می‌توان دلیلی بر اهمیت آن برای جامعه‌ی آن روز تلقی کرد.

ماده‌ی ۱۶ کتابچه مقررہ‌ی دیگری است که حکم معاونت در دزدی را پیش‌بینی می‌کند: «کسی که تحریک به دزدی بکند و یا گناه و تقصیر را بدینگونه مرتکب شود، باندازه تقصیری او از یکسال تا ده سال حبس می‌شود». پیش‌بینی بیشینه کیفر حبس تا ده سال برای معاونت در دزدی با معیار عقل و منطق چندان سازگار نمی‌نماید؛ هرچند در مورد‌هایی که نقش معاون کم‌تر از مباشر نیست، شاید بتوان توجیهی برای آن یافت. سرانجام، ماده‌های ۵۶ و ۵۷ کتابچه حکم‌هایی را برای پلیس در صورت دزدی بیان می‌کنند که بیش‌تر از منظر جرم‌شناسی تحلیل‌پذیراند تا حقوق جنایی.

ت) جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی «کتابچه‌ی قانونی کُنت»

رویکرد دیگری که بر پایه‌ی آن می‌توان مقررات کتابچه‌ی قانونی کُنت را بررسی و تحلیل کرد، بازتاب‌های جرم‌شناسانه این کتابچه است. البته، هنگامی که کتابچه‌ی کُنت نوشته و تصویب شد (۱۲۹۶ مهشیدی/۱۸۷۵ میلادی)، جرم‌شناسی هنوز به مثابه یک

رشته‌ی مطالعاتی مطرح نشده بود.^{۱۲} بدین ترتیب، این مقررات را تنها می‌توان با مفهوم‌ها و نظریه‌هایی که پس از آن در جرم‌شناسی و شاخه‌های دیگری علوم جنایی - به‌ویژه، بزه‌دیده‌شناسی - مطرح شدند، ارتباط داد یا سازگار دانست.

۱- نظریه‌های یادگیری و بزه‌کاری حرفه‌ای

ماده‌ی ۵ کتابچه، که در بخش پیشین به منزله‌ی یکی از جرم‌های علیه اموال بررسی شد، بازتاب‌های جرم‌شناسانه‌ای نیز دربردارد که می‌توان آن را با نظریه‌های یادگیری و بزه‌کاری حرفه‌ای ارتباط داد. در این ماده نه تنها راهزنی و دزدی، بلکه رفاقت با راهزنان و دزدان - چه به صورت شغل دائمی و چه به شکل اتفاقی - جرم دانسته شده است. بدین‌سان، موضوع رفاقت با راهزنان و دزدان را می‌توان با محتوای نظریه‌های یادگیری - به‌ویژه، نظریه‌ی قانون‌های تقلید گابریل تارد فرانسوی، و نظریه‌ی معاشرت افتراقی ادوین ساترلند امریکایی - در جرم‌شناسی مقایسه کرد. به باور تارد، بزه‌کار همواره از کسی تقلید می‌کند و همیشه نیاز دارد که با جلب تایید و تصدیق گروهی از افراد، بستگان، دوستان و هم‌سالان خود تشویق شود [کسن (کوسن)، ۱۳۸۵، ص. ۹۳]. نظریه‌ی ساترلند نیز در این نکته خلاصه می‌شود که رفتار مجرمانه آموختنی است و در فرایند اکتسابی از فردی به فرد دیگر منتقل می‌شود [همان، ص. ۹۳]. بنابراین، هم‌چنان که در متن ماده‌ی ۵ کتابچه نیز

۱۲. هم‌چنان که می‌دانیم، تاریخ پیدایش جرم‌شناسی را هم‌زمان با چاپ کتاب انسان بزه‌کار لمبروزو، سال ۱۸۷۶ میلادی می‌دانند.

آمده است، فرقی نمی‌کند که معاشرت با بزه‌کاران دائمی باشد یا اتفاقی. البته، دائمی بودنِ شغل بزه‌کار یا اتفاقی بودن بزه‌کاری او در این ماده با طبقه‌بندی بزه‌کاران در جرم‌شناسی – که در اندیشه‌های انریکو فری در نیمه‌ی دوم سده‌ی نوزدهم تبلور یافت – تبیین‌شدنی است. به همین دلیل، چون ویژگی دائمی یا اتفاقی بودن می‌تواند نمایان‌گر درجه‌ی حالت خطرناک بزه‌کار باشد، به نظر می‌رسد که در کتابچه‌ی کُنت کیفر قاطع طریق یا دزد را در محدوده‌ی یک کمینه و بیشینه‌ی حبس پیش‌بینی کرده بود؛ هرچند فاصله‌ی این کمینه و بیشینه نامتناسب می‌نمود.

۲- جرم‌انگاری و کیفرگذاری مصرف یا اعتیاد به ماده‌های مخدر

ماده‌ی ۷ کتابچه‌ی قانونی کُنت برای کسانی که تریاک می‌کشیدند، کیفر حبس از ۶ ماه تا یک‌سال در نظر گرفته و بدین‌سان، راه جرم‌انگاری مصرف یا اعتیاد به ماده‌ی مخدر را برگزیده بود. از آنجا که در جرم‌شناسی معاصر نظریه‌هایی وجود دارند که اعتیاد را به مثابه بیماری توصیف کرده و جرم‌زدایی از آن را پیشنهاد می‌کنند، شاید بتوان گفت که این ماده‌ی کتابچه یکی از موردهایی بود که با مقاومت مخاطبان آن روبه‌رو می‌شد، زیرا به حبس‌افکندن معتاد یا مصرف‌کننده‌ی تریاک (بدون وجود یک برنامه درمانی مشخص و علمی) نه تنها درد او را دوا نمی‌کرد بلکه به خانواده‌ی وی نیز آسیب می‌زد.

۳- حمایت کیفری ویژه از دختران، زنان و کودکان بزه‌دیده

ماده‌های ۱۳ تا ۱۵، ۱۹ و ۵۸ کتابچه‌ی قانونی کُنت مقرراتی را دربردارند که در

راستای حمایت کیفری از بزه‌دیدگان خاص (با محوریت زنان و کودکان بزه‌دیده) تحلیل‌پذیراند. ماده‌های ۱۳ تا ۱۵، با جرم‌انگاری فعل شنیع نسبت به دختر نابالغ یا زن شوهردار و ضایع کردن دختر باکره، در واقع، از دختران و زنان به مثابه بزه‌دیده، حمایت می‌کنند. این مسئله که زنان به دلیل جنسیت در معرض آسیب رفتارهای پرخطر مردان اند، امروز در همه‌ی پژوهش‌های جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی ثابت شده است [رایجیان اصلی، ۲/۱۳۹۰، ص. ۲۲]. ماده‌ی ۱۹ کتابچه نیز با جرم‌انگاری ادم‌ربایی زنان جلوه‌ دیگری از حمایت کیفری را بازتاب می‌داد. سرانجام، ماده‌ی ۵۸ کتابچه برای کسی که کودکی را در کوچه می‌یافت، یک وظیفه‌ی قانونی برای تحویل او به اداره‌ی پلیس پیش‌بینی کرده و بدین‌سان، از کودکان در معرض خطر حمایت می‌کرد. در نتیجه، پیش‌بینی مقررات ویژه‌ای برای حمایت از اشخاص آسیب‌پذیر، به مثابه بزه‌دیدگان خاص، را می‌توان از نکته‌های مثبت کتابچه‌ی قانونی گنت برشمرد.

۴- جرم‌انگاری ترک وظیفه‌های نوکران در راستای پیش‌گیری

مقرراتی که درباره‌ی نوکران در کتابچه‌ی قانونی گنت آمده‌اند، دست‌کم از دو منظر قابل بررسی‌اند: نخست، بیش‌تر رفتارهای تقصیرآمیز آنان را با حبس و یا جریمه‌ی نقدی کیفر داده‌اند و این تسامح صفر شاید به جای آن که در کنترل رفتار نوکران موثر می‌افتاد، بیش‌تر موجب تجری آنان نسبت به اربابان‌شان می‌شد. دوم، این مقررات گاهی می‌توانست کارکردهای پیش‌گیرنده نیز داشته باشد؛ چنان که ماده‌ی ۲۵ کتابچه پیش‌بینی می‌کرد: «تقسیم این کتابچه‌ها برای تکمیل بصیرت و دانایی دایره‌ی پلیس به‌حالت اشخاص لازم

است. هرکس نوکر دارد برای صلاحیت امورات شخصی خودش و انتظام شهر باید نوکر را مجبور بداشتن کتابچه نماید». بنابراین، کُنت به زعم خود کوشیده بود که به صرف انتشار کتابچه از تخلف‌هایی که به‌طور معمول از سوی نوکران سرمی‌زد، جلوگیری کند. وانگهی، در ماده ۲۹ نیز مقرراتی برای حمایت از حق‌های نوکران پیش‌بینی شده بود: «کسی که نمیخواهد در پیش کسی نوکری نماید، نمی‌تواند فوراً بیرون برود و باید هشت روز قبل باقای خودش خبر بدهد که اقا در این مدت نوکر دیگر پیدا نماید و همچنین، اقا نیز حق ندارد به یک‌دفعه نوکر را بیرون نماید و باید هشت روز قبل باو اطلاع بدهد که جای دیگری برای خود پیدا کند...»^{۱۳}.

۵- جرم‌های علیه نظم همگانی (گونه‌شناسی جرم‌شناختی بزه‌های کتابچه‌ی قانونی کُنت)

یکی از گونه‌شناسی‌های جدید بزه‌کاری در جرم‌شناسی که از دهه‌ی ۹۰ میلادی به نوشتگان این رشته راه یافته است، جرم‌های نظم همگانی^{۱۴} نام دارد. این اصطلاح تفاوت‌هایی را با مفهوم جرم در حقوق جنایی بازتاب می‌دهد. نخست، گذشته از اصل عمومی بودن حیثیت همه‌ی جرم‌ها در حقوق جنایی، جرم‌های نظم همگانی دسته‌ی خاصی از جرم‌ها را شامل می‌شوند؛ دوم، اگرچه ویژگی برجسته‌ی این جرم‌ها همان «نظم همگانی»

۱۳. جالب است که امروزه در قراردادهای کارفرمایان و کارگران و یا در قراردادهای خرید خدمات در شرکت‌ها مقرراتی مشابه با کتابچه‌ی کُنت برای این شکل از قطع همکاری‌ها پیش‌بینی می‌شوند.

14 . Public Order Offences

است، ولی مفهوم‌سازی آن در جرم‌شناسی با حقوق جنایی متفاوت است. در حقوق جنایی هر طبقه از جرم‌ها به اعتبار ضدیت آن‌ها با یک موضوع سنجیده می‌شود و از این رو، جرم‌ها به **علیه** اشخاص، **علیه** اموال یا **علیه** امنیت تقسیم می‌شوند (تاکیدها از نگارنده‌اند). ولی در این‌جا، ارتکاب جرم یا رفتارهای کژروانه در بستری که با نظم همگانی شناخته می‌شود، ملاک است.

کتابچه‌ی قانونی گنت بیش از یک سده و اندی پیش از این مفهوم‌سازیِ جرم‌شناسانه، مصداق‌های برجسته‌ی آن را بازتاب می‌دهد. این مصداق‌ها عبارت‌اند از: قماربازی در کوچه‌ها (ماده‌ی ۳۲)؛ اغتشاش و بدمستی در کوچه و بازار (ماده‌ی ۳۳)؛ ایجاد منازعه در قهوه‌خانه و چلوپزخانه (ماده‌ی ۳۴)؛ نزاع و عربده‌کشی در حمام (ماده‌ی ۳۵)؛ تخلف از سپردن اسباب و پول به حمام‌دار (ماده‌ی ۳۶)؛ فروش چیزی که مورث تولید مرض یا کسالت مزاج شود (ماده‌ی ۳۸)؛ کم‌فروشی (ماده‌ی ۳۹)؛ دواندن اسب در کوچه و بازار (ماده‌ی ۴۰)؛ رفتار خلاف قاعده با زن و بچه و غیره در مسجد (ماده‌ی ۴۱)؛ داد و فریاد زدن و بی‌نظمی در کوچه (ماده‌ی ۴۲)؛ ریختن کثافت و زایل در کوچه (ماده‌ی ۴۴).^{۱۵}

۱۵. دقت در برخی از نکته‌های کتابچه می‌تواند فهم بعضی از پدیده‌ها و رفتارهای نابهنجار جامعه‌ی امروزی ما را آسان‌تر کند. برای نمونه، ماده‌ی ۴۴ کتابچه‌ی نشان می‌دهد این که برخی از ما امروز رفتار درستی در دفع زباله‌های مان نداریم و با دست خود بهداشت محل زندگی مان را رعایت نمی‌کنیم، ریشه در فرهنگ تاریخی مان دارد. البته، مسأله‌ی ریختن زباله در سطح کوچه و خیابان به جامعه‌ی دیروز و امروز ما محدود نیست و حتاً در بعضی از کشورهای اروپایی نیز از دغدغه‌های آن جامعه‌هاست. برای نمونه، درباره‌ی انگلستان، بنگرید به: [کلکوئن، ۱۳۹۰، ص. ۲۳].

۶- بزه‌دیده‌شناسی: نظریه‌ی شتاب‌دهندگی بزه‌دیده و پیش‌گیری

وضع‌ی در کتابچه‌ی قانونی کنت

بعضی از مقررات کتابچه‌ی قانونی کنت را می‌توان از دیدگاه بزه‌دیده‌شناسی - و به‌ویژه نظریه‌ی شتاب‌دهندگی بزه‌دیده^{۱۶} - بررسی کرد. ماده‌های ۵۶ و ۵۷ نمونه‌های برجسته‌ی این نظریه‌اند که غفلت و قصور بزه‌دیده را در فرایند ارتکاب جرم موثر می‌شمارند. به‌موجب ماده‌ی ۵۶: «هرگاه صاحب‌خانه و یا دگانی خانه و یا دکان خود را غفلت کرده باز بگذارد و چیزی بدزدی ببرند، بعد بیاید به پلیس عارض شود، پلیس حرف او را جزو لاپایلات شمرده، او را نخواهد شناخت و گوش نخواهد داد». بنابراین، روشن است که غفلت مدعی در صورتی که نمی‌توانست ادعای خود را ثابت کند، به رغم واقعی بودن بزه‌دیدگی، او را به دلیل سرزنش‌پذیری^{۱۷} از حمایت قانونی محروم می‌ساخت. هم‌چنین، به‌موجب ماده‌ی ۵۷: «کسی که اسباب خود را بدون هیچ محافظه و پاسبان

16 . victim precipitation theory

به‌موجب این نظریه که خاستگاه آن به دهه‌ی ۴۰ میلادی بازمی‌گردد، بزه‌دیده با تأثیرگذاری بر مرتکب در واقع به او به مثابه بزه‌کار شکل می‌دهد. بدین‌سان، در بسیاری از جرم‌ها بزه‌دیده عاملی شتاب‌دهنده و اثرگذار در ارتکاب جرم است و این شتاب‌دهندگی می‌تواند با عامل‌هایی چون سن، جنس و نژاد بزه‌دیده هم‌بستگی داشته باشد. گفتنی است که این نظریه در پیوند با مفهوم سرزنش‌پذیری/تقصیر بزه‌دیده (victim blaming)، به پیدایش نخستین موج بزه‌دیده‌شناسی که قربانی‌شناسی جنایی/کیفری نامیده شد، انجامید و امروزه در مقرراتی مانند کیفیات تخفیف‌دهنده‌ی کیفر جایگاه خاصی در متن قانون‌های مجازات را به خود اختصاص داده است. برای آگاهی بیش‌تر، بنگرید به: [رایجیان اصلی، ۱/۱۳۹۰، ص. ۳۶ و بعد].

17 . blameworthiness

مخصوص جایی می‌گذارد، اگر اسباب او را ببرند پلیس اِدا ضامن آن نیست اما تجسّس دزد را خواهد کرد». این ماده افزون بر نظریه‌ی شتاب‌دهندگی بزه‌دیده، از نظرگاه پیش‌گیری وضعی^{۱۸} در جرم‌شناسی که مستلزم به‌کارگیری تدبیرهای محتاطانه‌ی بزه‌دیدگان احتمالی است نیز قابل تحلیل است.

۱۸ . situational prevention

نتیجه‌گیری

کتابچه‌ی قانونی کُنت نخستین متن رسمی است که نه تنها بخشی از آیین دادرسی جنایی (یعنی، مقررات ناظر بر پلیس) را در حقوق ایران شناساند بلکه در زمان خود طبقه‌بندی جدیدی از جرم‌ها و کیفرها ارائه داد که سنگ بنای جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌های قانون‌های کیفری پس از خود قرار گرفت. اگرچه این طبقه‌بندی کامل و دقیق نبود و حتا کیفرهای پیش‌بینی‌شده برای برخی از جرم‌ها نامتناسب می‌نمودند، ولی همین که برای نخستین بار بر مسئله قانون‌مندی تعریف جرم و تعیین کیفرها صحه می‌گذاشت، تحول مهمی در سامانه‌ی حقوقی‌ای بود که بر پایه‌ی فرمان‌های ملوکانه اداره می‌شد. البته، سخن در اجراء حتمی و درست‌همه‌ی مقررات این کتابچه نیست، زیرا به دلیل‌هایی چون فرهنگ قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی حاکم بر جامعه‌ی آن روز ایران، مقاومت مردم و افکار عمومی در برابر این مقررات، باور ناواقعی ناصرالدین شاه به اهمیت و ضرورت اجراء این مقررات، نادادگرانه بودن بعضی از مقررات این کتابچه و شیوه‌ی نادرست اجراء آن توسط کُنت و سازمان پلیس او اجراء آن ناکام ماند. با وجود این، همین که در یک جو بسته و ایستا، برای نخستین بار بارقه‌هایی از تحول و پویایی در پرتو اندیشه‌های نو حقوق جنایی به چشم خورد، راه برای پیشرفت‌ها و تحولات آینده هموارتر شد و به همین دلیل است که مطالعه‌ی بسیاری از ماده‌های این کتابچه امروز می‌تواند دست‌کم یادآور بخشی از مقررات قانون‌های مجازات روزگار ما باشد. باری، هم‌چنان که گذشتگان گفته‌اند، حتا وجود یک قانون بد بهتر از بی‌قانونی یا نداشتن هیچ قانونی است و تدوین کتابچه‌ی قانونی کُنت را باید آغاز مسیری در حقوق جنایی ایران تلقی کرد که از

گذر متن‌های دیگری چون قانون جزای عرفی ۱۳۳۵ مهشیدی، قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ و ۱۳۵۲، قانون‌های مجازات اسلامی ۱۳۶۱، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵، سرانجام به تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در سال ۱۳۹۲ خورشیدی انجامید.^{۱۹}

۱۹. البته، تفاوت برجسته‌ای که قانون‌های مجازات پسین با این کتابچه دارند، در این است که کتابچه‌ی کُنت اغلب آموزه‌های حقوق جنایی روزگار خود را دربرمی‌گرفت. ولی چون رشته‌های دیگر علوم جنایی مانند جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی در آن زمان هنوز متولد نشده بودند، مضمون مفهوم‌ها و نظریه‌هایی را که سال‌ها یا دهه‌ها بعد مطرح شدند، نیز دربرداشت. اما، در مقابل، قانون‌های مجازات امروزی به‌طور معمول، بازتاب‌دهنده‌ی تازه‌ترین تحولات علمی و نظری روزگار خویش‌اند. به سخن دیگر، قانون‌های امروزی بیش از آن که مبنایی برای نظریه‌ها و مفهوم‌سازی‌های زمان خود باشند، بر پایه‌ی آن‌ها تفسیرپذیر و تحلیل‌شدنی‌اند و قوت و ضعف این قانون‌ها را از جمله می‌توان با میزان اعتنا یا بی‌اعتنایی آن‌ها به تحولات علمی و نظری زمان‌شان سنجید.

منابع

۱. اشوری، محمد؛ آیین دادرسی کیفری، جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.
۲. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان؛ تاریخ منتظم ناصری، ۳ جلد، مصحح: محمداسماعیل رضوانی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۷-۱۳۶۴-۱۳۶۳.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، به کوشش ایرج افشار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰.
۴. امین، سیدحسن؛ تاریخ حقوق ایران، تهران: انتشارات دایره‌المعارف ایران، ۱۳۸۲.
۵. راوندی، مرتضی؛ سیر قانون و دادگستری در ایران، تهران: نشر چشمه، ۱۳۶۸.
۶. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی، جلد یکم، تحولات بزه‌دیده‌شناسی و علوم جنایی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی (شهر دانش)، ۱/۱۳۹۰.
۷. رایجیان اصلی، مهرداد؛ بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، چاپ دوم (با ویرایش و افزوده‌های جدید)، تهران: انتشارات دادگستر، ۲/۱۳۹۰.
۸. کتابچه‌ی دستورالعمل دیوان‌خانه عدلیه اعظم، مجله کانون وکلا، شماره ۴۴ (۱۳۳۴ ش.)، بی‌نا.
۹. کتابچه قانونی گنت، از ارشیو کتابخانه ملی ایران، بی‌نا و بی‌تا.
۱۰. کسن [کوسن]، موریس؛ اصول جرم‌شناسی، مترجم: میرروح‌الله صدیق، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۵.

۱۱. گلکوهن، ایان؛ طراحی عاری از جرم، ایجاد منطقه‌های امن و پایدار، ترجمه

دکتر مهرداد رایجیان اصلی و دکتر حمیدرضا عامری سیاهویی، چاپ دوم،

تهران: بنیادحقوقی میزان، ۱۳۹۰.

۱۲. معتمد، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه

تهران، ۱۳۵۱.

۱۳. نوربها، رضا؛ زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ سی و یکم، تهران: انتشارات گنج

دانش و نشر دادافرین، ۱۳۹۰.

14. Encyclopedia Iranica, Censorship; at: <http://www.iranicaonline.org/articles/censorship-sansur-in-persia>